

## احکام فقهی حیوانات خانگی / نشست علمی\*

حسین وحیدپور\*

### اشاره

نکته‌ای که در مجامع جهانی مطرح و بعضی از کشورهای غربی مدعی آن هستند، مسئله حقوق حیوانات است، اما وقتی به مکتب اسلام ناب نگاه می‌کنیم می‌بینیم بیش از ۱۴۰۰ سال پیش اسلام برای حیوانات حقوق قائل شده و برای آن دستوراتی صادر کرده که اینها در منابع به وفور دیده می‌شود. می‌خواهیم ببینیم اصلاً نگاه اسلام به حیوان و توجه به حیوان و نگهداری حیوان چیست. این نشست در مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات و با حضور جناب حجت الاسلام و المسلمین استاد وحیدپور به بحث و بررسی موضوع احکام فقهی حیوانات خانگی می‌پردازد.

**استاد وحیدپور:** بنده بنا دارم بیشتر به متون اصلی دین؛ یعنی آیات و روایات مراجعه کنم. البته شعار ما، حسبنا کتاب الله نیست، بلکه کلام رسول خدا ﷺ هم است که همه اعم از شیعه و سنی و همه فرقه‌های اسلامی آن را به‌عنوان یک حدیث متواتر قطعی پذیرفته‌اند که هیچ شک و شبهه‌ای ندارد، «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» بنابراین قرآن و عترت در کنار هم هستند. در ابتدا باید کلیدواژه‌های بحث را روشن کنیم. ابزار کار ما فقط

---

\*. این نشست در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۶ در مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمی‌ه برگزار شده است.

\*. استاد حوزه علمیّه قم و کارشناس مذهبی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

آیات نیست، آیات و روایات با هم است. با مراجعه به این دو منبع، می‌بینیم قرآن و روایات، راجع به حیوانات بحث‌های بسیار مفصلی دارند، بخشی از احکام ما، چه در روایات و چه در آیات مربوط به حیوانات است؛ یعنی ما در قرآن راجع به احکام، ۵۵۰ آیه‌ای که داریم، تعداد زیادی راجع به حیوانات است. این خیلی عجیب است.

**دبیر علمی:** بعضی از سوره‌ها نیز به نام برخی حیوانات نام‌گذاری شده است.

**استاد وحیدپور:** بله. در قرآن شش سوره به نام حیوانات داریم. سوره بقره، انعام، فیل، نحل، نمل، عنکبوت. این نشان می‌دهد که زندگی ما انسان‌ها با حیوانات یک پیوند بسیار نزدیکی دارد. البته در زمان گذشته مخصوصاً زمان نزول آیات و صدور روایات این پیوند بیشتر بوده است، چون ماشین و قطار نبوده و حیوانات وسیله حمل و نقل و سفر بودند. به هر حال حیوانات همیشه مورد انتفاع انسان‌ها بوده‌اند و در هر زمانی از آنها استفاده می‌شد، از پوست، گوشتشان یا مثل زنبور عسل که منافی دارند. لذا شش سوره قرآن به نام حیوانات است. در سوره‌های دیگر هم، مختلف از خود حیوانات نام برده شده است. در فقه و روایات ما برای انسان حقوق و وظایفی در تعامل با حیوانات مقرر شده که جالب است. هر جا می‌گوییم حق، معمولاً دو طرفه است. مثلاً می‌گوییم حق شوهر برعهده زن، حق زن برعهده شوهر است، چون هر دو مکلف هستند. اما در خصوص حیوانات قضیه فرق می‌کند. حق در اینجا یک‌طرفه است. انسان نسبت به حیوان باید وظایفی را انجام دهد. مقررات و تکالیفی دارد. حیوان که مکلف نیست. از آن طرف هیچ حقی برای ما بر گردن حیوان مقرر نشده است، چون آنها مکلف نیستند. لذا اینجا حق یک طرفه است، کما اینکه بعضی جاهای دیگر هم داریم. پس یکسری حقوق برای حیوانات برعهده انسان قرار داده شده است، جزء تکالیف است، که برخی واجب و برخی جزء مستحبات است. به هر صورت احکام پنج‌گانه را دارد. ممکن است واجب، مکروه، مباح، حرام یا حلال باشد. نکته دیگر اینکه گریزی به فلسفه داشته باشیم. فلسفه؛ یعنی جهان‌شناسی. ما جهان را یک جهان به هم پیوسته می‌دانیم. بحث خوبی شهید مطهری در کتاب عدل الهی دارد، بحثی که آنجا می‌کند این است که جهان ما، یک جهان واحد است؛ یعنی به هم پیوسته، نه از هم گسسته. اینطور نیست که انسانی هست که ارتباطی با حیوان ندارد یا حیوانی هست که

ارتباطی با انسان ندارد. هر آنچه که در مجموعه هستی هست، ارتباط با هم دارند؛ یعنی تأثیر و تأثر.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری  
مهم این است که ما یک نگاه کلی نگر داشته باشیم، نه جزئی نگر؛ یعنی نگاه این است که کل جهان همه را در هم مؤثر بدانیم؛ یعنی چه؟ یعنی انسان تأثیر در این عالم دارد، حیوان هم تأثیر دارد. تأثیر چطور است؟ انسان می‌تواند تأثیر در حیوانات داشته باشد. حیوانات نیز می‌توانند در انسان‌ها تأثیر داشته باشند که خواهیم گفت این تأثیر چیست، چون بعدش در بحث نگهداری حیوان عرض خواهیم کرد. این را هم در کنار مبانی دینی ما که آیات و روایات است، باید توجه کنیم که این ثابت شده است. نگاه دین هم همین است. عالم را اینطور به ما معرفی می‌کند. مثلاً در این آیات شریف قرآن مکرر داریم «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (جمعه: ۱)؛ یعنی همه عالم در حال بندگی هستند، ولی اینطور نیست که فقط انسان بندگی خدا را بکند. پس آنها هم به نحوی برای خودشان فهم و شعوری دارند، البته نه شعور انسانی. لذا تعامل انسان‌ها با حیوانات بحث ماست. این تعامل برخاسته از تأثیر و تأثر است. اگر حیوانات هیچ اثری در زندگی ما نداشتند، ما بحث نگهداری حیوان، خوب یا بد را مطرح نمی‌کردیم، ولی به دلیل اینکه این تأثیر و تأثر وجود دارد، ما دنبال کشف آن تأثیرات می‌رویم.

بنابراین چه کسی این تأثیرات را کشف می‌کند؟ نه علم تجربی، نه عقل، نه شهود، نمی‌توانند این تأثیرات را کشف کنند. چون ما چهار راه برای شناخت بیشتر نداریم. تنها راهی که وجود دارد، علوم و حیانی است؛ یعنی این آیات و روایات است که به ما خواهد گفت تأثیر این حیوان در زندگی انسان چیست، تأثیر آن حیوان چیست. آن وقت این ما خواهیم بود که براساس اعتقادات دینی علم پیدا خواهیم کرد؛ یعنی خواهیم گفت: عجب! پس تأثیر فلان حیوان این است. پس چه خوب است آدم فلان حیوان را در خانه داشته باشد. این نکته عجیب و مهمی است. اینکه ما کدام حیوان را داشته باشیم و کدام حیوان را نداشته باشیم، براساس آن قانون تأثیر و تأثر است. چون هنوز وارد بحث‌های جزئی نشدیم. بنده از حیوانی نام نمی‌برم. مثلاً همه حیوانات را داشته باشید، همه‌شان خوب هستند. اینجا بحث



خوبی و بدی نیست. بحث تأثیرگذاری است؛ یعنی حیوانات می‌توانند در زندگی ما اثر داشته باشند. در زندگی ما؛ یعنی رزق و روزی ما را زیاد کنند؟ بله، چه عواملی رزق و روزی ما را زیاد می‌کند؟ بعضی از عوامل مادی نیستند. فرامادی است. آنها را علوم وحیانی به ما می‌گویند.

**دبیر علمی:** یعنی آن حیوان یک ویژگی و خصوصیتی دارد که می‌تواند این تأثیر را داشته باشد.

**استاد وحیدپور:** بله. البته نه هر حیوانی. حیوان خاص است. از کجا می‌توانیم این را تشخیص دهیم. از کجا می‌توانیم بفهمیم این حیوان خصوصیت و ویژگی‌اش چیست؟ دین این را برای ما تعریف می‌کند که مثلاً این حیوان در رزق و روزی شما، مؤثر است. فلان حیوان برکات را از زندگی انسان می‌برد. فلان حیوان طوری است که فرشتگان الهی از حضور او در محیط خانه ناراحت هستند و اذیت می‌شوند. پس این یک امر مقبول است. اول ما این را قبول کنیم. چون وقتی ما بحث علمی می‌کنیم، باید از یک مشترکاتی شروع کنیم. این جزء مشترکات ماست. چون کسی که مخاطب ما هست، فرض بر این است که علوم وحیانی، قرآن و روایات را قبول دارد. این نکته‌ای که عرض کردم خیلی مهم است که تأثیر و تأثرها را ما براساس آیات و روایات بپذیریم. بر این اساس که حیوانات در زندگی ما تأثیر دارند و ما هم به ناچار با آنها تعامل داریم. ما هیچ وقت نمی‌توانیم حیوان را از زندگی خودمان جدا کنیم. هر چه علم از لحاظ تکنیک و صنعت پیشرفت کند. به‌هرصورت، حیوان، جزء زندگی شماست. پس ما باید روی آن حیوان، آداب و احکام شبیه یک جامعه انسانی حساب کنیم. جامعه انسانی چطور مقررات می‌خواهد. جامعه حیوانی هم مقررات و قانون می‌خواهد.

**دبیر علمی:** در فضای مجازی شبهه سنگدلی افرادی که سر حیوان را می‌برند و می‌خورند، اینگونه مطرح شده که چطور دلتان می‌آید سر یک گوسفند را بپزید، بعد هم از گوشت این گوسفند بخورید. این یک مسئله خیلی ساده‌ای است که فلسفه خلقت این موجود همین است ولی نگاه برخی گاهی چقدر منحرف می‌شود.



**استاد وحیدپور:** اینکه تعامل ما با حیوانات چگونه است را مقررات تعیین می‌کند. ما نمی‌توانیم سر انسانی را به ناحق ببریم. آن هم گاهی به حق بریده می‌شود. موارد استثنا و تبصره دارد. اما حیوانات اینطور نیستند. حیوانات یک رده موجود ذی‌حیاتی هستند که در خدمت انسان هستند. خدای متعال آنها را برای انسان خلق کرده است. لذا با مخاطبانی صحبت می‌کنیم که قرآن و روایات را قبول دارند. قرآن می‌گوید: احشام و چهارپایان برای شماست. قرآن می‌گوید گوشت کدام حیوان حلال یا حرام است؛ یعنی چه؟ اگر بناست، گوشت گوسفند را نخوریم، پس همه‌شان حرام است. چطور گربه را سر نمی‌بریم و از گوشتش استفاده نمی‌کنیم، در مقابل از گوشت گوسفند و مرغ استفاده می‌کنیم. اگر اینطور باشد که اینها می‌گویند قرآن باید می‌گفت همه اینها بر شما حرام است. همانطور که یهود این‌گونه تصور دارد. یهود تصور می‌کرد که کلاً خوردن گوشت حرام است. این حرف‌ها گاهی مغالطه و گاهی هم پسمانده‌های حرف‌های دیگران است. ما به اینها اسرائیلیات می‌گوییم؛ یعنی دیگران در افکار ما وارد کرده‌اند. وقتی یک چیزی در فضای مجازی می‌آید ما باید بدانیم این از کجا آمده. «أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ» (مائده: ۱). این آیه چیست؟ بر شما حلال شده است بهیمه‌الانعام، بهیمه؛ یعنی چهارپایان الا آنها که تبصره دارند که درندگان هستند. درندگان حرام هستند. اما شتر، گاو، گوسفند، بز، گوزن و آهو. اینها همه بر شما حلال است و در خدمت بشر- و بشر- را هم برای خدا قرار دادیم. ولی معنای تعامل با حیوانات این نیست که آنها را سر نبریم و از گوشتشان استفاده نکنیم. اتفاقاً استفاده از حیوانات به این معناست که آنها با این استفاده ما از آنها، به کمال می‌رسند و الا شما گوسفند را استفاده نکنی، خلقت او لغو است.

**دبیر علمی:** در واقع کمال گوسفند در همین است که به یک رشدی برسد که برای انسان ذبح شود.

**استاد وحیدپور:** بله. میوه را خدا برای چه می‌آفریند؟ اگر شما میوه را نخورید و میوه را هم بگویید نباید خورد، این چه ظلمی است که ما به میوه می‌کنیم. در آن صورت میوه می‌رسد و می‌پوسد و از بین می‌رود. پس این نقص است. کمالش در این است که مورد استفاده بشر قرار بگیرد. این چیز واضحی است. بنابراین طبق قانون تأثیر و تأثر ما رفتارمان

با حیوانات باید طوری باشد که برگرفته از مناسک دینی ما باشد؛ یعنی برگرفته از آیات و روایات باشد. عجیب اینکه ما صدها روایت راجع به حیوانات داریم. حتما مخاطبان ما با کتاب شریف کافی آشنا هستند. کافی از کتب معتبر شیعه و جزء کتب اربعه است. کتاب کافی سه قسمت است. بخش اول: اصول است که به آن اصول کافی می‌گویند که معمولاً همه با این نام می‌شناسند و در مورد اخلاق و اعتقادات است. قسمت دوم: فروع کافی است. فروع کافی فقه است. بخش سوم: که یک جلد بیشتر نیست و به آن روضه کافی می‌گویند. این کتاب یک جلدی شش فرع دارد که مجموع آن راجع به حیوانات است. اطعمه؛ یعنی خوراکی‌ها. خیلی مفصل است. بخش دیگر مربوط است به اینکه کدام حیوان را نگه بداریم و کدام را نگه نداریم. باب الحمام؛ یعنی کبوتر. فصلی راجع به کبوتر در روایات داریم. باب الغنم، یک فصلی راجع به گوسفند، یک فصلی راجع به شتر، فصلی دیگر راجع به مرغ و خروس داریم تا اینکه به بحث سگ و غیره برسیم. بعد از آن توصیه به نگهداری یا دوری از بعضی حیوانات دارد که به برخی معیارها و دلایل آن و گاهی به بعضی از حکمت‌هایش اشاره شده است و گاهی هم روایات به صورت مطلق و دستوری آمده است. توصیه به نگهداری چهار حیوان؛ گوسفند، شتر، اسب، گربه دارد. گاو نه. علتش را نمی‌دانیم. فقط گوسفند، شتر، اسب و گربه.

در مورد چهارپایان، همین موارد بود. اخیراً در مورد گربه که به نگهداری آن توصیه هم شده است، نیز زیاد می‌پرسند. از پرندگان، دو پرنده است که توصیه به نگهداری آنها شده، یکی خروس و دیگری کبوتر است و کبوتر انواعی دارد. در مورد گوسفند حکمتش بیان شده که مایه برکت است. یک تأثیر و تأثری حیوانات در زندگی بشر دارند؛ یعنی وقتی حیوان را نگه می‌دارید، گاهی برکت می‌آورد و گاهی برکت را می‌برد. این اعتقاد به برکت، یک بحث دینی است. بعضی‌ها می‌گویند برکت چیست؟ این حرف‌ها چیست؟ طرف میلیاردر است، شما می‌گویید مال او برکت ندارد، یکی دیگر که مال کمتری دارد، می‌گویید مال او برکت دارد. بعضی‌ها عقیده ندارند و این خلاف روایات است. برکت؛ یعنی زندگی مبارک. وقتی خدا فرزندی به کسی می‌دهد شما می‌گویید مبارک است؛ یعنی این مولود ان شالله برای شما مایه برکت باشد و در مقابل حیوانی مثل گوسفند، مایه برکت است. در مورد خروس



عن النبی ﷺ «اَكْثَرُوا فِي بُيُوتِكُمُ الدُّيُوكَ فَإِنَّ إِبْلِيسَ لَا يَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ دِيكٌ أَفْرَقُ» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۲۸۹)، دیک؛ یعنی خروس، در خانه‌های خود خروس‌ها را زیاد کنید که شیطان در خانه‌ای که خروس‌ها در آن پراکنده شوند، وارد نمی‌شود. اینها را چه کسی می‌فهمد غیر از اینکه از ناحیه وحی به ما گفته‌اند. این را آیا تجربه می‌فهمد؟ در آزمایشگاه می‌شود فهمید؟ خیر، پیغمبر ﷺ فرمود: ابلیس؛ یعنی شیطان، سردهسته تمام شیاطین، وارد خانه‌ای که در آن خروس تاج‌دار باشد، نمی‌شود. حالا قطعاً در فضای مجازی بعضی به ما می‌خندند و مسخره می‌کنند که این حرف‌ها یعنی چه؟ پیامبر عظیم‌الشأن ﷺ فرموده‌اند. این از چیزهایی است که ما با عقلمان درک نمی‌کنیم، از چیزهایی است که با آزمایش و تجربه نمی‌فهمیم که این خروس اگر در زندگی انسان باشد چگونه جای شیطان و ابلیس نخواهد بود.

**دبیر علمی:** آیا پیامبر ﷺ برای یک مقطع زمانی خاص که زمان خودشان باشد، این فرمایش را داشته‌اند؟ از طرفی وقتی به زندگی شهری و آپارتمان نشینی نگاه می‌کنیم، قاعدتاً این حدیث عملیاتی نمی‌شود. چه کار باید کرد؟

**استاد وحیدپور:** خیر. قطعاً فرمایش حضرت برای زمان خاص یا زمان خودشان نبوده است و از طرفی هم نگه داشتن آن را واجب ندانسته‌اند. البته امری هم که اسلام واجب می‌کند، مبتنی بر شرایطش است. یکی از شرایط قدرت و امکان است. گاهی شرایطش نیست. وضو بر شما واجب است ولی اگر برایتان ممکن نباشد، وجوبش برداشته می‌شود. نگفته واجب است، فرموده این اثر را دارد که این اثر خیلی مهم است. من می‌خواهم اینجا یک گریز بزنم. می‌خواهم عرض کنم زندگی‌های شهرنشینی امروزه ما بسیاری از برکات از آن برداشته شده است. یک بحثی جامعه‌شناسان دینی دارند، نه جامعه‌شناسان غربی. امروزه جامعه‌شناسان اسلامی باید آسیب‌شناسی کنند و بین زندگی شهرنشینی با زندگی روستانشینان مقایسه کنند. ببینند زندگی روستانشینان چه برکاتی دارد. همان گوسفند و خروس چه برکاتی دارد، همان کشاورزی و دامداری چه برکاتی دارد و این زندگی ماشینی ما، این زندگی شهرنشینی چه بلایی بر سر بشر آورده است که این برکات را برده است. این در مورد حیواناتی که توصیه به نگهداریشان شده است.

حیواناتی که سفارش به نگهداریشان شده، بیشتر از حیواناتی است که نکوهش از نگهداریشان شده است. مثل حلال و حرام‌ها است. خودتان می‌دانید در احکام می‌گوییم هر چه هست، حلال است و حرام‌ها خیلی کم است. بعضی از حیوانات را خیلی نادر و کم است که شرع مقدس فرموده که نگهداری آنها مذمت دارد و نکوهش شده است. یکی سگ است. در مورد اصل نگهداری سگ، روایات فراوان داریم. از نبی مکرم اسلام ﷺ داریم «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةٌ وَ لَا كَلْبٌ وَ لَا جُنُبٌ» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۴۵۳) ملائکه و فرشتگان وارد خانه‌ای نمی‌شوند که در آنجا یا مجسمه باشد - مجسمه هم از نظر اسلام خیلی مذمت شده - یا سگ و یا شخص جنب باشد. قدیم کسی که محتلم می‌شد، می‌گفتند شیطونی شده است. جنابت از شیطان است. لذا اسلام هم فرمود: غسل کن و تمام بدنت را شستشو بده که این حالت شیطانی از بین برود. جنابت و وجود سگ و مجسمه، سه موردی هستند که اگر در منزلی باشند، فرشتگان وارد زندگی انسان نمی‌شوند. اینجا یک استثنایی وجود دارد که کلب معلّم است؛ یعنی سگ آموزش دیده. سگ آموزش دیده برای چیست؟ برای صید است. الان البته اینطور نیست ولی قبلاً بوده که سگ گله شکار می‌کرده است. این سگ آموزش می‌بیند که دنبال گله برود یا سگ نگهبان باغ یا زراعت است. مخصوصاً برای خانه‌های بسیار بزرگ که مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس اصل نگهداری سگ مذموم است و نکوهش شده مگر مواردی از سگ که آموزش دیده باشد، قیمت دارد - این هم مهم است از نظر شرعی که قابل قیمت‌گذاری است - غرض عقلایی برای نگهداری وجود دارد که مصادیقش را عرض کردیم.

**دبیر علمی:** در فضای مجازی کسانی که طرفدار سگ و حیوانات هستند و لقمه نانی یا کمی آب به سگ یا حیوانی می‌دهد این را منتشر می‌کنند و کلی نسبت به این موضوع مانور می‌دهند. آیا در آموزه‌های دینی چنین چیزی داریم؟ توجه به حیوان، سیر کردن حیوان، چه با غذا، چه با آب، یا از آن طرف در مورد آزار دادن حیوانات چیزی داریم که مذمت شده باشد؟

**استاد وحیدپور:** عجیب اینکه هر دو طرفش؛ یعنی هم امر به نیکی به حیوان و هم نهی از آزار و اذیت به حیوان، را در روایات بسیار فراوان داریم. نکته اول: همانطور که انسان باید





نفقه همسر و فرزندان فقیرش را بدهد، فرزندان هم باید نفقه پدر و مادر فقیرشان را بدهند. از این جهت هر موجود زنده‌ای اعم از انسان و حیوان که زیردست شما هستند نفقه آنها واجب است؛ یعنی اگر شما گوسفند را پرورش می‌دهید، باید به آن آب و علف بدهید. قدیم از اسب یا شتر زیاد استفاده می‌کردند لذا جزء نفقه محسوب و نفقه آن واجب است. در فقه احکام نفقات، مواردی هست که از وجوبش گذشته و واجب نیست ولی چقدر سفارش شده به اینکه ما حیوانات را به لحاظ سلامتشان مورد توجه قرار دهیم. اینکه الان واکسن می‌زنند این چیزی نیست که علم جدید آورده باشد اینها همه خمیرمایه و اصلش از منابع دینی ماست. سلامت حیوان، تغذیه حیوان، خداوند حضرت آیت الله جوادی آملی را سلامت بدارد. ایشان کتاب زیاد نوشته‌اند ولی برای نوشتن «مفاتیح الحیات» خیلی زحمت کشیده‌اند. این مفاتیح الحیات کلیدهای زندگی است. فارسی هم نوشته شده است و به‌نظم خوب است هر مسلمان فارسی‌زبانی این را بخرد مطالعه کند و در خانه داشته باشد. ایشان یک فصلی باعنوان حقوق حیوانات دارند که همه روایات با منابع اصلی‌اش ذکر شده، شاید ایشان صد تا روایت را آنجا آورده‌اند. آن وقت می‌فهمید مدافع حقوق حیوانات کیست؟! منشور حقوق حیوانات در سازمان ملل است. چه کسی و چه زمانی نوشته شده؟ صد سال است. روایات را چه کسی و چه زمانی نوشته‌اند؟ برای ۱۴۰۰ سال پیش است. چون روایاتی که از پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله رسیده، بیش از ۱۴۰۰ سال می‌شود. در همه زمینه‌هایش وجود دارد؛ یعنی هیچ نکته مبهم و مجهولی اینها برای ما نگذاشته‌اند. عرضم این است که ما جو زده نشویم. که بگوییم عجب! اروپایی‌ها چه کار کرده‌اند! چقدر اروپایی‌ها واقعا انسانیتشان گل کرده و چه قوانینی برای حیوانات آورده‌اند. جو زده نشوید. هویت دینی خودتان را فراموش نکنید.

**دبیر علمی:** آنها دنبال این چیزها هم نیستند. آنها روزی را اختصاص به روز جهانی دوچرخه سواری عریان داده‌اند که در برخی از کشورها هم عریان زن و مرد به خیابان رفتند. این را نوعی آزادی و حقوق بشر می‌دانند.

**استاد وحیدپور:** آزادی همجنس‌گرایی. ازدواج مرد با مرد؛ یعنی برکندن بنیان خانواده. اینها بحث‌های مفصل دارد. ما باید بدون تعصب غرب را بررسی کنیم. ما نمی‌خواهیم با تعصب

بگوییم، هر چه که هست بد است. از آن طرف هم بگویید که اینطور نیست که هر چه که هست خوب است. دانش دارند، صنعت دارند، استفاده می‌کنند، ولی بدانید هویت ما دینی و اسلامی است. بعضی از بزرگان ما مثل استاد جوادی آملی یا بزرگانی که از دنیا رفته‌اند، مثل علامه جعفری، ایشان کتاب منشور حقوق بشر اسلامی را نوشته است. حداقل همان را بگیرید، مطالعه کنید. ببینید امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خودش به مالک اشتر راجع به حیوانات چه می‌فرماید. خیلی عجیب است! مالک اشتر را دارد والی مصر می‌کند ولی به او دستور می‌دهد راجع به حیوانات چه کند. اینها خیلی مهم است. اسلام مدافع حقوق حیوانات است و در نهی از آزار حیوانات من فکر می‌کنم ما منشوری مثل این روایات نداریم. این مقدار نهی از آزار حیوانات که وقتی بنده می‌خواستم عناوینش را بنویسم، دیدم بسیار زیاد است. گفتم رها کنم. در این برنامه که اینقدر فرصت نیست. بعضی‌هایش را عرض کنم. حضرت علیه السلام فرمودند به صورت چهارپایان نزنید. وقتی می‌خواهید چهارپایان را برانید یا حرکت دهید، به صورتشان نزنید. آنها را نفرین نکنید. در لانه حیوانات ادرار نکنید. در رساله‌ها هم هست که به آن احکام تخلی یا قضای حاجت می‌گویند.

در مورد حبس حیوان، وقتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به آسمان‌ها و به معراج مشرف شدند. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هم بهشت و هم جهنم را دیده است. در جهنم زنی را در حال عذاب می‌بیند. می‌پرسند علت حضور این زن در جهنم چیست؟ می‌گویند به این خاطر که گربه‌ای داشت که « دَخَلَتْ اِمْرَاةً النَّارَ فِي هِرَّةٍ رَبَطَتْهَا فَلَمْ تُطْعَمْهَا وَ لَمْ تَدَعْهَا تَأْكُلْ مِنْ خَشَاشِ الْاَرْضِ » (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۳۰۳). - برخی از مردم گربه‌ها را اذیت می‌کنند، می‌گویند گربه اذیت می‌کند. این زن گربه را در اتاق حبس کرده و آب و غذا به او نداده و گربه مرده است. این در جهنم جایگاه دارد. اینطور نیست که بگوییم این تارک الصلاة است که به جهنم رفته است. بله کنار تارک الصلاة، کنار کسی که در ماه رمضان روزه خواری عمدی می‌کند، کنار کسی که خدا را عبادت نمی‌کند، کسی که حیوان را نیز آزار می‌دهد، حیوان را شکنجه داده است در جهنم است. اینها همه در روایات آمده است. سوزاندن حیوان حرام است. بعضی‌ها برای خوشحالی در جشن عروسی‌شان، سگ را می‌آورند و می‌سوزانند و چه بلاهایی که بر سر آنها آمده است که دیگر همانند. مخصوصاً آزار

و اذیت گربه که اصلاً آثار عجیبی در زندگی انسان دارد. از آن طرف نگهداری گربه و از این طرف هم نهی از آزارش. ما نمی‌فهمیم تأثیر و تأثرات چیست. می‌گویید این آثار را دارد، زندگی‌ات را به هم می‌ریزد. سوزاندن حیوان و شکنجه آنها که خودش نوعی سادیسم است. یک بیماری و حیوان آزاری است. البته در این بین - ما چون احکام را هم جواب می‌دهیم - گاهی می‌پرسند ما با حیواناتی که اذیتمان می‌کنند چه کنیم؟ حیوانات موذی اشکال ندارد. ما روایت داریم «نهی [رسول الله صلی الله علیه و آله] عن قتلِ کُلِّ ذی رُوحٍ إِلَّا أَنْ یُؤْذِیَ»؛ (متقی هندی، کنز العمال، ح ۳۹۹۸۱) پیامبر ﷺ مردم را از کشتن هر جاننداری نهی فرمود، مگر آن که آزار و آسیب برساند. لذا از کشتن هر چیزی که صاحب روح است، حضرت نهی فرمودند. مورچه اگر آزارت نمی‌رساند چرا می‌خواهی بکشی او را اگر با تو کاری ندارد؟! یک وقتی مورچه در اتاقت ریخته و اصلاً بچه کوچک هست و وارد بدنش می‌شود. آنجا مثلاً پودر بزنی، داروی مورچه‌کش استفاده کنید. حیوان ذی روح را نکشید الا آنکه اذیت می‌کند. بعضی از حیوانات هم هستند بخصوص حضرت نام بردند «أَمَرَ بِقَتْلِ خَمْسَةِ الْغُرَابِ وَ الْحِدَاةِ وَ الْحَيَّةِ وَ الْعَقْرَبِ وَ الْكَلْبِ الْعَقُورِ»؛ (صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۹۷) سگ‌ها را است. الان شهرداری می‌گوید موارد موذی را به ما اطلاع بدهید. این سگ‌های ولگرد خیلی وحشی هستند. خیلی به بچه‌ها آسیب رسانده‌اند، بیماری هم دارند. اینجا هم بعضی‌ها غیرتشان گل می‌کند. داعش آدم‌ها را می‌کشد اینها صدایشان در نمی‌آید. جای دیگر حادثه می‌شود اینها صدایشان در نمی‌آید، ولی چهار تا سگ‌ها یا سگ ولگرد را شهرداری گرفته برده است، اینها هشتگ درست می‌کنند. هشتگ نه به کشتن سگ «یا رسول الله فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرٌ قَالَ نَعَمْ فِي كُلِّ كَيْدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۵) ما اگر به یک حیوانی خدمت کنیم ثواب هم به ما می‌دهند، هر جگر تشنه‌ای را شما سیراب کنید - در فارسی می‌گوییم جگرش دارد می‌سوزد- اجر دارد. فرق ندارد حیوان، انسان یا سگ نجس‌العین باشد. نجاست ربطی به این بحث‌ها ندارد. این بحث‌ها برای این است که ابعاد مختلف بحث مخلوط نشود. نگهداری یک بحث است، نجاست بحث دیگری است تغذیه بحث دیگری است، آزار نرساندن به این سگ یک بحث است. اینها همه جداست، ربطی به

همین سگ را دیده‌اید، تشنه می‌شود و زبانش را بیرون می‌آورد. این حیوان را شما باید

سیراب کنید. بنده با بررسی که در احکام داشته‌ام، مخصوصاً در بحث تیمم، در هفت مورد، تیمم جایز است؛ یعنی وضو نگیرید. یکی از مواردی که شما تیمم می‌کنید، آنجاست که حیوانی تشنه است و در حال هلاک شدن است. آب به قدری است که یا شما باید وضو بگیری یا آن حیوان آب بخورد. وضو که مقدمه نماز است و نماز رکن و عمود اسلام است، در اینجا دستور به بدل وضو که تیمم است داده شده است، چون آن حیوان هلاک شود، بدل ندارد. در کدام مکتب و مذهبی اینطور به همه ابعاد توجه شده است. آن وقت به ما می‌گویند چنین و چنان هستید. دین، مکتب و منابع‌مان این است. آنقدر روایات عجیب در این موارد داریم که حساب ندارد. از طرفی دیگر، از نگهداری بعضی حیوانات مذمت شده که آثار هم دارد، یکی سگ است. کتاب فروع کافی، جلد ۶، صفحه ۲۵۲، بابی هست به‌نام باب الکلاب. یک فصل است که دوازده روایت دارد. سند روایت را نمی‌خوانم. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يَتَّخِذُ كَلْبًا إِلَّا نَقَصَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلِ صَاحِبِهِ قِيرَاطٌ» امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کسی که سگی را نگهداری می‌کند هر روز از اعمالش یک مقداری کم می‌شود. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۵۱) ما نمی‌گوییم نگهداری سگ حرام است می‌گوییم خوب نیست، مذمت شده است، مکروه است. مکروه: یعنی خدا دوست ندارد. درست است شما سگ نگهداری کنید روز قیامت شما را عذاب نمی‌کنند، جهنم نمی‌برند ولی خدا دوست ندارد. باز در روایت دیگر دارد عن ابی عبدالله ما من احد يتخذ كلباً الا نقص في كل يوم، هر کسی که سگی را نگهداری می‌کند هر روز از اعمالش یک مقداری کم می‌شود. الا نقص فی کل یوم من عمل صاحبه قیراط، یک مقداری اثر می‌گذارد. قال أمير المؤمنين علیه السلام: لا خير في الكلاب إلا كلب صيد أو كلب ماشية. نگهداری سگ فایده‌ای ندارد مگر سگ شکار و سگ گله» (فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۰، ص ۸۶۹) امروزه سگ‌های دیگری هم هستند که غرض عقلایی دارند، قیمت دارند. سگ شکار و گله را هم که نگه می‌دارند، همان را نیز می‌فرمایند یک حایلی و فاصله‌ای باشد، پهلویت نباشد؛ یعنی همان سگ‌ها همان آثار را دارند لذا جایشان را جدا کن. در روایت دیگر «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ كَلْبِ الصَّيِّدِ يُسَكُّ فِي الدَّارِ قَالَ إِذَا كَانَ يُغَلَّقُ دُونَهُ الْبَابُ فَلَا بَأْسَ» آیا می‌شود آدم در خانه‌اش سگ شکارش را نگه دارد حضرت فرمودند: طوری باشد که در بسته‌ای باشد که شما یک جا باشید

و او جای دیگر اشکالی ندارد. (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۵۲) حتی سگ شکاریان که قیمتی هست جایش جدا باشد. خیلی روایات دیگر هم داریم.

**دبیر علمی:** خرید و فروش را هم بفرمایید.

**استاد وحیدپور:** خرید و فروش سگ مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است. البته مبتنی بر آن بحثی است که چیزهایی که نجس هستند قابل خرید و فروش نیستند، مگر مواردی که شرع مقدس خودش استثنا کرده باشد. سگ صید را استثنا کرده و فرموده قابل خرید و فروش است. سگ گله نیز همینطور. مثل مواردی که آقایان امروزه ملحق کرده‌اند، مثلاً سگ موادیاب یا سگ زنده یاب را هم ملحق کرده‌اند. اینها سگ‌هایی است که ارزش دارد، قابل خرید و فروش است. سؤال می‌کنند سگ‌هایی که امروزه در خانه نگهداری می‌کنند. سگ‌های زینتی و سگ‌های همراه که همراه خودشان می‌برند و سگ گردانی می‌کنند چی؟ جواب: اینها قابل خرید و فروش نیستند. اینها از نظر شرعی مالیت ندارند. می‌گوید: ده میلیون خرید و فروش می‌کنند. جواب: یک شیشه مشروب را هم ممکن است پنج میلیون خرید و فروش کنند، ولی شرع مقدس می‌گوید نه، این مالیت ندارد. کسبش هم حلال نیست، خرید و فروش هم نمی‌شود کرد. آن کسی هم که می‌فروشد پولش را مالک نمی‌شود. ارزش عرفی دارد، در عرف بعضی‌ها، نه در عرف همه. ولی از نظر شرع ارزش و مالیت ندارد. قابل خرید و فروش هم نیست. مگر موارد خاص خودش که آن سگ‌های مشخص است.

**دبیر علمی:** همه اینها مقدمه‌ای بود بر اینکه بحث حقوق حیوانات، نگهداری حیوانات و مذمت نگهداری حیوانات روشن شود. نگاه اسلام به آنها چیست و مواردی از این دست که استاد به آنها اشاره فرمودند. بحث بعدی بحث نجاست سگ هست که از موارد اصلی و کلیدی است که نیاز به گفتگو دارد. در بین مجموعه حیوانات چه حیواناتی نجس‌العین هستند؟

**استاد وحیدپور:** فقط دو تا حیوان نجس‌العین هستند. معنای نجس‌العین هم این است که مثل خون هستند. شما قبول دارید خون نجس است؟ بله. این خون تا زمانی که خون است،



نجس است. برخلاف بقیه چیزها که پاک هست و ممکن است با ملاقات با نجس، نجس شوند. نجس‌العین؛ یعنی چیزی که ذاتاً نجس است، مثل خون، مردار، سگ و خوک خشکی نه دریایی. چون که در دریا هم سگ دریایی و خوک دریایی داریم که نجس‌العین بودن شامل آنها نمی‌شود. ولی سگ و خوک خشکی، این دو نجس هستند؛ یعنی ذاتاً نجس هستند. معنای ذاتاً نجس بودن؛ یعنی شما هر چقدر هم آنها را شستشو بدهید، فایده ندارد. چون ذاتاً نجس است. این دو حیوان نجس هستند. بقیه حیوانات ولو حرام گوشت باشند. پاک هستند؛ یعنی حرام گوشت بودن یا حلال گوشت بودن ربطی به موضوع نجاست ندارد.

گراز هم خوک است. فرقی نمی‌کند. گراز هم مثل خوک، نجس‌العین و حرام گوشت است. اصلاً گراز و خوک یکی هستند، منتهی فرقیشان در اهلی و وحشی بودنشان است. یکی پرورشی و دیگری وحشی است.

**دبیر علمی:** این بحث نجاست در دایره اسلام است. چه بسا یک مسیحی یا یهودی بگوید یعنی چه؟

**استاد وحیدپور:** در واقع ما دو جور احکام داریم یک سری احکام تکلیفی داریم، تکلیف است. نماز را بخوان. دروغ نگو. غیبت نکن. شراب نخور. روزه بگیر. یک سری احکام هم وضعی هستند؛ یعنی اینها تکلیف نیست. باید و نباید نیست. احکام وضعی است؛ یعنی وضعیت چیزی را روشن می‌کند، مثلاً شما معامله را با این شرایط انجام دادید به شما می‌گوید معامله‌تان صحیح است؛ این صحیح است، حکم وضعی می‌شود. نجاسات جزء احکام وضعی هستند. سگ نجس است، حکم وضعی می‌شود. این هم جزء احکام است فرقی نمی‌کند. مسلمانی که مجموعه دین را پذیرفته، همه چیز آن را می‌پذیرد. پس احکام را پذیرفته می‌گوید: نماز واجب است پس نماز می‌خوانم. سگ هم نجس است پس جزء احکام می‌شود. هیچ فرقی نمی‌کند. اینکه ما به بعضی از احکام ملتزم باشیم و به بعضی دیگر از احکام ملتزم نباشیم این همان چیزی است که آیه قرآن می‌فرماید «تُؤْمِنُ بَبَعْضٍ وَتُكْفَرُ بِبَعْضٍ» (نساء: ۱۵۰) یا مسلمانِ مسلمان باش یا نه. دین و مذهب دیگری انتخاب کن. طبق آیین آن مذهب عمل کن. لذا مخاطب ما مسلمانی است که ملتزم به احکام است.



**دبیر علمی:** استاد در ابتدای بحث توضیح دادند که براساس حدیث ثقلین، ما قرآن و روایات را معیار قرار می‌دهیم. اینکه بگوییم فقط قرآن یا فقط بگوییم روایات اینطور نیست. نجاست سگ کجای قرآن آمده است؟

**استاد وحیدپور:** بعضی‌ها می‌گویند در قرآن که نگفته سگ نجس است، بله. در قرآن نگفته است. اصلاً سؤال این است که شما چرا روی نجاست سگ حساسیت دارید؟ خوک چطور؟ خوک را هم در قرآن نگفته است که نجس است. خون را هم نگفته است. اصلاً نجاست را در قرآن نگفته است. یک واژه نجس آمده، آن هم نه «نجس». «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» (توبه: ۲۸) که حالا این نجس، همین نجس است یا نه؟ این بین مفسرین بحث است. هیچ کدام از نجاست ده‌گانه یا یازده‌گانه در قرآن نیامده است. پس شعار ما «حسبنا کتاب الله» نیست. در قرآن تعداد رکعات نمازها و ده‌ها هزار احکام نیامده است. اصلاً آیات احکامی ما ۵۵۰ تاست و خیلی چیزها نیامده است. اهل سنت هم همینطور هستند، آنها هم سراغ روایات می‌روند. مگر اینکه شما بگویید در قرآن گفته است پاک است. آنجا تکلیف دیگر معلوم است. در قرآن نسبت به پاکی و نجاست سگ چیزی نداریم. پس سراغ روایات می‌رویم. روایات ما وقتی متراکم شدند نه یکی نه دوتا متراکم شدند و مبتنی بر این بود که سگ نجس است می‌گوییم سگ نجس است. نمی‌توانیم بگوییم علی‌رغم اینکه روایات ما گفته‌اند، ما سگ را پاک می‌دانیم. آن هم روی سلیقه‌های شخصی غیرتخصصی، هر که حرف می‌زند باید تخصصی حرف بزند. یک پزشک نسخه‌اش را که مهر می‌کند، پایینش نوشته نون پ؛ یعنی نظام پزشکی. یک عددی دارد بنده اگر یک نظریه پزشکی را ابراز کنم از من نمی‌پذیرند. می‌گویند تو دکتر نیستی. متأسفانه در امر دین بعضی‌ها که ورود و تخصصی ندارند، کارشناس نیستند، اصلاً از اجتهاد بویی نبرده، کلیپ می‌گذارد. به نظر شما یعنی چه؟ از کجا آوردی؟ نظر مال صاحب نظر است. شما در این زمینه صاحب نظر نیستی. چطور می‌شود که ۱۴۰۰ سال تمام فقها و بزرگان دین از شیخ طوسی و شیخ مفید تا به الان گفته‌اند، سگ نجس است. یک دفعه، یک آدم پیدا می‌شود در فضای مجازی، می‌گوید نه. اینکه معلوم است بنده هم در خیابان شروع کنم به فحش دادن، همه اطراف من جمع می‌شوند، چرا؟ چون می‌گویند همیشه می‌خواهی مشهور شوی، مخالفت

کن. اینکه هنر نیست. هنر این است که ما علمی و فنی حرف بزنیم. بعد هم نیایم رطب و یابس را به هم بیافیم. می‌گویند سگ حیوان نجیسی و وفادار است. ما هم همین را می‌گوییم. مباحث را خلط نکنیم. نجابت با نجاست هیچ ارتباطی ندارد. اصلاً سگ کاربرد دارد. سگ ده‌ها کاربرد دارد. سگ صید، سگ گله، سگ مواد یاب. اینها خیلی مهم است. یک زلزله‌ای می‌آید سگ را می‌برند انسان را از زیر آوار پیدا می‌کند. اینها خیلی مهم است. اینها هیچ ارتباطی با بحث نجاست ندارد؛ یعنی نجاست به معنای بی‌ارزش بودن آن شیء نیست. این نطفه انسان است که شخص مخاطب را به وجود آورده ولی نطفه، نجس است. بعد از انعقاد نطفه باید زن و مرد هر دو بروند تمام وجودشان را بشویند و غسل کنند. اما این نطفه چقدر ارزش دارد؟ آنقدر ارزش دارد که حق سقطش را ندارد. نمی‌تواند آن را سقط کند. مثلاً خون که همه می‌گویند نجس است. الان گاهی می‌بینید یک بیماری است که گروه خونی نادری دارد بعضی گروه خون‌ها خیلی کم است. پول هم می‌دهند می‌خرند. چند سی سی خون ممکن است بتواند شخصی را نجات دهد. اهدای خون، اهدای زندگی است. پس بفرمایید چرا خدای متعال خون را نجس قرار داده؟ خونی که اینقدر با ارزش است. ارزش خون بیشتر است یا سگ؟ مسلماً خون. زندگی نجات می‌دهد، مرده را نجات می‌دهد، ولی نجس است. هیچ کس هم شبهه نکرده، چرا نجس است. ما تا حالا چنین شبهه‌ای ندیده‌ایم. پس ارزش و وفاداری و نجابت، هیچ ربطی به نجاست ندارد. حتی اگر نجس هم باشد قابل خرید و فروش است. خون را خرید و فروش می‌کنند. همه فقها فرمودند: اشکالی ندارد. پس سگ اگر می‌گوییم نجس است هیچ ارتباطی با مباحث دیگر ندارد ما همه آنها را قبول داریم، منکر هم نیستیم اما اینکه چرا سگ نجس است، این چه ضرری به شما می‌زند؟ چه ضرری دارد که ما بیاییم درمورد نجاست سگ چون و چرا کنیم؟ فرض کنید همه عالم، همه فرق مسیحی‌ها و بودایی‌ها و همه ادیان سگ را نجس دانستند. ثمره اینکه ما در این چون و چرا کنیم چیست؟ نمی‌گوییم نگهداری‌اش حرام است. آثارش را گفتیم. برکت را از خانه می‌برد، ملائکه وارد خانه نمی‌شود. مکروه است. ولی نمی‌گوییم حرام است اگر هم در خانه‌اش نگهداری کرد، باید رعایت پاکی و نجاست کند؛ یعنی لباس و بدن و مکان نمازش باید پاک بماند. چون آب دهان سگ هم نجس است. ما نگفتیم حرام است،





ولی این حساسیتی که در دفاع از سگ و نجاستش می‌شود، بی‌معناست. مثل این است که بگوییم خون خیلی باارزش است پس نباید نجس باشد. این ملازمه، غلط است؛ یعنی اگر سگ نجیب یا وفادار است، پس پاک است. این ملازمه، غلط است. بسیاری از چیزهای باارزش نجس هستند. بالاتر از این، بسیاری از چیزهای باارزش حرام هستند. خاک باارزش است و در موارد مختلف کاربرد دارد. اصلاً یکی از موادی است که اگر نباشد، شما گیاه و میوه ندارید، ولی خوردنش حرام است. آب هم مثل خاک است ولی خوردن آب حلال است، خوردن خاک حرام است. معلوم می‌شود ما باید این مقررات را به خود قانون‌گذارش بسپاریم؛ یعنی یک حکمت‌هایی هست. چرا خوردن خاک را حرام کرده، چرا سگ و خون را نجس دانسته است. تازه آنجا هم هر خونی نجس نیست. خون ماهی و مار، پاک است. خون مرغ، نجس است. خون گوسفند در زمان ذبح که خارج می‌شود نجس است ولی خونی که داخل این حیوان می‌ماند، پاک است. ما باید خودمان را به دست قانون الهی بسپاریم و آنچه که او می‌گوید را بپذیریم و ملتزم باشیم به اینکه حتماً در اینها حکمت‌هایی هست. البته در نجاسات، مبانی مهم و بحث‌های مفصلی هم هست که کتاب‌هایی هم نوشته‌اند. نه اینکه مخاطبان خیال کنند ما الان از آن بحث‌ها غافل هستیم، کتاب‌ها را ندیده‌ایم و نخوانده‌ایم. مثلاً بعضی‌ها می‌گویند ما در اسلام نجس ذاتی نداریم و اگر واژه نجس هم به‌کاربرده‌اند، منظور از نجاست یعنی آلودگی، پس اگر سگ را شستشو و تمیز کنیم، آلودگی و نجاست آن از بین می‌رود. ما این مبنا را قبول نداریم. بحث مفصل و مبنایی دارد. این نظریه که نجاست یعنی آلودگی، مبنایی باطل است و بطلانش ثابت شده است و خلاف نظر هزاران نفر از بزرگان و اعظام فقها و بزرگان دین است. این نظرات در بین فقهای دین و در کتاب‌های فقهی، بررسی و بحث شده است که نجاست یک امر قراردادی است. قراردادی؛ یعنی سگ را خدای متعال نجس قرار می‌دهد. حکم وضعی است. آن یکی را پاک قرار می‌دهد. ممکن است دلایلی هم داشته باشد که ما از آن بی‌خبر هستیم. بعضی گفته اند نجاستش به این خاطر است که سگ دارای یک آلودگی‌ها و میکروب‌هایی است، دهانش فلان است و این برای این است که ما با آن خیلی مأنوس نشویم و لذا اگر شستشویش دادیم مشکلی ندارد. صرفاً این نیست. ممکن هست این حرف تا جایی درست باشد و شاید

یکی از حکمت‌ها باشد و منکر نیستیم ولی ممکن است چیزهای دیگر هم باشد که ما از آن خبر نداریم. بنده می‌خواهم اول پایه را محکم کنم که بحث نجاسات بحث حکم شرعی است مثل احکام تکلیفی، احکام وضعی ما هیچ فرقی نمی‌کنند. ما ملتزم به مجموعه دین براساس حکمت‌هایی که وجود دارد با جزئیاتش هستیم و آن را می‌پذیریم که سگ نجس است. البته مقلدین براساس فتوا عمل می‌کنند؛ یعنی آنها دیگر دنبال این نمی‌گردند که در قرآن، این طرف و آن طرف هست یا نه؟ اگر براساس فتوا است و مخاطبین جزء مقلدین هستند می‌گویم به فتوای فقها رجوع کنند. فتوا چه می‌گوید؟ عجیب است. اینها می‌خواهند بگویند چه دلیلی بر نجاست سگ دارید؟ بنده می‌خواهم بگویم چه دلیلی بر طهارت دارید؟ چون فتوای تمام فقها در تمام عصرها و در تمام مکان‌ها قائل به نجاست سگ و خوک بوده‌اند. مقلد می‌خواهد تقلید کند کتاب فقهی مرجع مهم، در این دوره «العروة الوثقی» است این را مرحوم سید محمدکاظم یزدی تقریباً صد سال قبل نوشته‌اند که محور فقه در دوره اخیر شده است. حدوداً ۴۵ حاشیه از بزرگان فقها بر این کتاب زده شده است. حاشیه؛ یعنی آنجایی که نظرشان با مرحوم عروه فرق می‌کرد، در پاورقی نوشته‌اند. اما اینکه مرحوم سید فرموده‌اند که دو تا از نجاسات سگ و خوک خشکی هستند احدی کسانی که بحث اجتهادی می‌خواهند. همین عروه را بعضی‌ها شرح کرده‌اند؛ یعنی مرحوم یزدی گفته است سگ و خوک خشکی نجس هستند و سراغ ادله‌اش رفته‌اند. این کتاب مستمسک عروه مرحوم آیت‌الله حکیم که کل عروه را شرح کرده است. متن عروه این است که السادس و السابع النجاسات الکلب و الخنزیر البریان؛ یعنی ششم و هفتم نجاسات سگ و خوک خشکی است. در حاشیه مرحوم صاحب عروه می‌فرمایند: «اجماعاً» این حکم اجماعی است. از قدامه همه کتاب‌ها را نام می‌برد: معتبر، منتهی، تذکره، ذکری، کشف اللثام، تمام کتب قدما را که مراجعه بفرمایید همه‌اش نجاست سگ را گفته است. اما روایات، سه جور روایت داریم؛ یک) روایتی که به آن خبر واحد می‌گویند؛ یعنی یک روایت آمده است؛ دو) خبر متواتر که روایت آن زیاد است که به تواتر رسیده است؛ چ) خبر مستفیض به خبر متوسط می‌گویند. آنقدر در مورد نجاست سگ روایت داریم که متواتر است تواتر که باشد؛ یعنی قطعیت هست و شکی در آن نیست. این مستمسک عروه بود. من چند روایت



را عرض می‌کنم. کتاب دیگر همین شرح عروه است، درس‌های مرحوم آیت‌الله خوئی است. من چند روایت را می‌گویم. اولاً ایشان می‌فرمایند: «لاخلاف بیننا»؛ یعنی در شیعه اصلاً اختلافی نیست «و هو الذی استقر علیه مذهب الشیعه، اهل سنت هم یادداشت کرده‌ام می‌گویم. بعضی‌ها گفته‌اند این جزء قطعیات نیست. اما اهل سنت هم قائل به نجاست است. فقط یکی از بزرگان شیعه مخالف است. نگوید شما اینها را نمی‌گویید. آن هم مرحوم سید مرتضی است. آن هم فرمود: نجس نیست اعضای از سگ که در آن روح دمیده نمی‌شود مثل مو و ناخن. و الا خود سگ نجس است. یکی هم از مرحوم صدوق که معروف است می‌گویند مرحوم صدوق گفته سگ پاک است. ایشان گفته است سگ شکاری پاک است. آن هم نگفته همه سگ‌ها؛ یعنی همین سگ خانگی هم نجس است. لذا مرحوم صدوق هم سگ را نجس می‌داند. هیچ کس قائل به طهارت آن نیست. آن را هم بگویم چرا پاک گفته است. چون درباره سگ شکاری قرآن گفته که شما می‌توانید از حیوانی که سگ آن را شکار کرده است بخورید. سگ شکار کرده؛ یعنی سگ رفته شکار را گاز گرفته و شکارش کرده. مرحوم صدوق می‌گوید اینکه می‌گوید بخورید دلالت بر این دارد که حیوان شکار شده پاک هم هست. چون اگر نجس بود قرآن نمی‌گفت بخورید.

**دبیر علمی:** آیا در قرآن اشاره‌ای به پاک بودن سگ شده است یا نه؟ چون فرمودید اگر اصل پاک بودن مطرح شده باشد، دیگر بحثی نداریم.

**استاد وحیدپور:** کسانی که شبهه می‌کنند و می‌گویند قرآن گفته است که سگ پاک است. کجا قرآن گفته است؟ یک جایی از قرآن اشاره دارد به سگی که رفته حیوانی را شکار کرده است یا این شکار را آورده است. شما می‌خواهید آن حیوان را بخورید. بخورید؛ یعنی حلال است. قرآن می‌گوید این حیوان شکار شده حلال است و قابلیت خوردن دارد. آن هم سگی که برای این کار است به نام سگ شکاری یا سگ معلّم؛ یعنی سگ آموزش دیده. این درست است. این متن آیه است که اگر سگ شکارش کرد این حلال است. آیا ما می‌توانیم از اینجا استفاده کنیم که حیوان شکار شده پاک است و چون پاک است پس سگی که آن را شکار کرده هم پاک است؟ این نکته مهم است. مرحوم صدوق رحمته الله این را قائل شده است لذا سگ شکاری را پاک دانسته و می‌گوید سگ شکاری پاک است، چون اگر نجس باشد رفته

گاز گرفته حیوان گاز گرفته شده نجس می‌شود و اگر پاک نباشد خدای متعال در قرآن نمی‌گوید آن را بخور.

**دبیر علمی:** نجس شده باشد پاک کردنش کار ساده‌ای است؟

**استاد وحیدپور:** جوابی که همه آقایان به مرحوم صدوق رحمته الله با آن عظمتش داده‌اند این است که خدای متعال در این آیه شریفه یک چیزی را در مقام بیانش هست و یک چیزی را در مقام بیانش نیست. آنچه در مقام بیانش هست این است که خدا می‌خواهد بفرماید یکی از ابزار صید سگ است کما اینکه یک ابزار صید اسلحه است. اگر شما با ابزار شکاری مثل اسلحه حیوانی را شکار کردید قرآن می‌فرماید حلال است ولی وقتی تیر می‌زنید حیوان از یک جایش خون می‌آید. آیا قرآن گفته این خون پاک است؟ یعنی شما می‌توانید بگویید چون این حیوان شکار شده با اسلحه حلال است، پس خورش هم پاک است؟ هیچ کس این را نگفته است. چون خدای متعال در مقام بیان حلیت است نه در مقام بیان پاکی و نجسی. بحث مفصلی در اصول فقه دارد. خدا می‌خواهد بفرماید غصه نخورید سگ هم مثل اسلحه می‌تواند حیوانی را شکار کند و حلال است. اصطلاحاً می‌گویند خدا در مقام بیان حلیت است نه طهارت. پس اینجا اصلاً در مورد طهارت و نجاست چیزی بیان نشده است. این را به مرحوم صدوق جواب داده‌اند. مرحوم صدوق هم فقط در مورد سگ شکاری این حرف را می‌زند. عبارت را خواندم که و عن الصدوق رحمته الله ایشان فقط کلب صید را پاک می‌دانند سگ‌های دیگر را پاک نمی‌دانند. حتی در قرآن هم که مرحوم صدوق می‌گوید اشاره شده فقط به کلب صید است سگ‌های دیگر که اشاره نشده‌اند. پس نسبت به پاک بودن سگ هیچ قولی از هیچ فقیهی به این قطعیت در شیعه نداریم، فقط مرحوم صدوق سگ شکاری را پاک می‌داند. پس اگر کسی قائل به طهارت سگ باشد قولش آنقدر شاذ و نادر است که تعبیر روایات این است که «سألت أبا جعفر رحمته الله فقلت له: جعلت فداك يأتي عنكم الخبران والحديثان المعارضان فبأيهما أخذ؟ فقال: يا زرارة! خذ بما اشتهر بين اصحابك و دَعِ الشاذ النادر...» به امام باقر رحمته الله عرض کردم: فدایت شوم! از جانب شما دو خبر متعارض به ما می‌رسد، به کدام يك عمل کنیم؟ حضرت فرمود: ای زراره! به آن روایتی عمل کن که بین اصحاب مشهور می‌باشد و روایت شاذ و نادر را کنار بگذار. (احسایی، عوالی اللثالی

العزیزية فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۱۳۳) قول شاذ و نادر را ترک کن. قول شاذ و نادر در مقابل این همه اقوال... اصلاً یک کسی هم آمد در فضای مجازی گفت سگ پاک است اصلاً به قولش اعتنا نمی‌شود، اصلاً ما نمی‌توانیم قولش را مورد اعتنا بدانیم. حالا سراغ روایات برویم. اولاً اهل سنت که می‌گویند اهل سنت پاک می‌دانند اینطور نیست. اهل سنت چهار فرقه هستند. بنده چهار فرقه را بررسی کرده‌ام. کتابی به نام کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه است که در جلد یک، صفحه یازده در مورد سگ آورده است. شافعی‌ها سگ را مطلقاً نجس می‌دانند. حنبلی‌ها که الان خیلی زیاد هستند همه انواع سگ را نجس می‌دانند. مالکی‌ها سگ را پاک می‌دانند. حنفی‌ها هم سگ را بعضی چیزهایش را نجس می‌دانند. آب دهانش را نجس می‌دانند بدنش را پاک می‌دانند؛ یعنی از چهار فرقه، دو فرقه‌شان کاملاً نجس می‌دانند. حنفی‌ها آمدند تفصیل قائل شدند آب دهانش را نجس می‌دانند اما بدنش را پاک می‌دانند. مالکی‌ها هم سگ را پاک می‌دانند. بنابراین می‌توانیم بگوییم میان اهل سنت چنین اختلافی وجود دارد ولی میان علمای شیعه اصلاً اختلافی وجود ندارد. تازه روایات ما هم روایات متواتر است. البته الفاظ روایات با هم مختلف است، ولی نتیجه‌اش یکی است. دو سه نمونه روایت را عرض می‌کنم چون خیلی مهم است. در بعضی از روایات دارد که «تَتَرَّهُوا عَنْ قُرْبِ الْكِلَابِ فَمَنْ أَصَابَ الْكَلْبَ وَ هُوَ رَطْبٌ فَلْيَغْسِلْهُ» (صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۱۰) اگر سگ با کسی ارتباط داشته باشد که یا سگ مرطوب باشد یا شما مرطوب باشید، چون خشک با خشک که مشکلی ندارد فالیغسله، امر است. خودت را شستشو بده. این نشان می‌دهد که سگ نجس است. چون اگر پاک باشد که امر نمی‌کند خودت را شستشو بده. از این گونه روایات فراوان داریم. این یک دسته. دسته دوم: روایاتی هستند که در آنها عبارت «فی الکلْبِ إِنْه رَجَسٌ نَجَسٌ» (فیض کاشانی، الوافی، ج ۶، ص ۲۰۳). اصلاً تصریح دارد. دو تا لفظ در کنار هم آمده است. اگر کلمه «رجس» خالی بود ممکن بود شما بفرمایید مراد آلودگی است. سگ آلودگی دارد رجس و پلید است. ولی می‌گوید رجس نَجَسٌ. در روایت دیگر دارد «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ سُورِ الْكَلْبِ يُشْرَبُ مِنْهُ أَوْ يَتَوَضَّأُ قَالَ: لَا. قُلْتُ أَلَيْسَ سَبْعٌ؟ قَالَ: لَا. وَ اللَّهُ إِنَّهُ نَجَسٌ لَا وَ اللَّهُ إِنَّهُ نَجَسٌ» (حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۳،

ص ۴۱۵) کارمان به جایی رسیده است که امام صادق علیه السلام باید قسم بخورد. امام این روزها را می‌دید. کارمان به کجا رسیده است که قسم امام معصوم علیه السلام را باور نکنیم. تعبیر اینطور است. معنای روایت این است که باقی مانده سگ را می‌توان خورد. یا با آن وضو گرفت. حضرت فرمودند: لا. سوال کردم مگر این با گربه و روباه فرق می‌کند؟ سگ هم مثل اینها یک درنده است. قال لا، والله انه نجس. و الله انه نجس. والله انه نجس. ما دیگر چه می‌خواهیم. سه بار حضرت علیه السلام قسم خورده‌اند. در روایات دیگر دارد که قسم ندارد ولی دارد که نجس نجس نجس. ما تقریباً هشت گروه روایات داریم که نتیجه‌شان یک چیز است لذا می‌گوییم متواتر معنوی است گرچه الفاظش یک طور نیست؛ یعنی تواتر لفظی ندارد ولی از نظر معنا و مضمون هشت گروه داریم که تواتر دارد. تازه برخی روایات مربوط به نجاسات غیر سگ، اشاره به نجاست سگ دارد. مثلاً ناصبی، او کسی است که علناً دشمنی خودش را با اهل بیت علیهم السلام اظهار کند. علناً اظهار کند - ما که ضمیر کسی را نمی‌خوانیم - بر زبان جاری کرده یا کتاب نوشته که من دشمن علنی اهل بیت علیهم السلام هستم و یا ناسزا بگوید ما اینها را می‌گوییم، نجس هستند. در روایات دارد به اینکه «فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا أَنْجَسَ مِنَ الْكَلْبِ وَ إِنَّ النَّاصِبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَنْجَسَ مِنْهُ» (صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۹۲). وقتی معیار نجاست سگ است می‌گوید از سگ بدتر ناصبی است. اگر سگ پاک است، پس ناصبی هم پاک است و این کلام امام معصوم علیه السلام هم بی‌مورد است که ناصبی نجس است. مگر سگ نجس است؟ اصلاً نجاست سگ را یک امر واضح و روشن و مسلم می‌داند. اصلاً سوال نمی‌کند که سگ هم نجس است؟ سگ نجاستش میان مردم خیلی امر روشن و واضحی بوده است. از ابتدای اسلام نجاست سگ یک امر مسلم واضحی بوده و تا به الان هم هیچ فقیهی به معنای واقعی کلمه آن را پاک ندانسته است. نه اینکه کسی بگوید من هم فقیه و مجتهد هستم ولی من می‌گویم پاک است. این نشان می‌دهد که این واقعاً فقیه و مجتهد نیست خارج از سازمان نظام پزشکی و مهندسی است، خارج از سازمان اجتهاد است. استنباط احکام یک متد و روش دارد. اینطور نیست که هر کسی از راه برسد مجتهد شود و فتوا بدهد. شما روش اجتهادتان را بفرمایید. اصول فقه قاعده دارد. اگر اینطور باشد که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. هر کسی پیدا می‌شود، مخصوصاً امروزه

در فضای مجازی که در و پیکر هم ندارد. هر کسی بگوید من اجتهاد کردم این مسئله فلان طور است. اینکه درست نمی‌شود.

**دبیر علمی:** در مورد فیزیک و شیمی و پزشکی، اصلاً جرأت اظهار نظر ندارند.

**استاد وحیدپور:** شما هیچ وقت در مورد پزشکی اظهار نظر نمی‌کنید. می‌گویید باید برویم ببینیم آقای دکتر چه می‌گوید. مثل این است که بنده بگویم بله، نماز صبح واجب است. این دیگر به این معنا نیست که من مجتهد هستم. این یک امر مسلم است. ولی چیزی که نیاز به اجتهاد دارد را می‌توانم بگویم بنده مجتهد هستم و استنباط کردم، این نظرم است. شما کسی هستی؟ اول باید مشخص شود مقام علمی شخص چیست؟ از کجا آمده‌اید؟ همانطور که یک پزشک را تأیید می‌کنند و سپس می‌آید اظهار نظر می‌کند. کسی که می‌گوید من مجتهد و صاحب نظر هستم هم باید تأیید شود که از کجا اجتهاد گرفته است؟ کجا درس خوانده است؟ کتاب فقهی‌تان چیست؟ اینها بررسی شود. هیچ وقت در فضای مجازی به صرف اینکه یک نظریه فقهی بدون استدلال صحیح مطرح می‌شود نمی‌شود پذیرفت و اگر این باب شود سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. اخیراً در فضای مجازی یک آقایی گفته است چه اشکال دارد خانم‌ها لاک داشته باشند و وضو و غسل هم بکنند، نماز هم بخوانند. اما ما می‌گوییم لاک ناخن مگر مانع نیست؟ مگر نباید آب به اعضا برسد؟ یا برای اعضای غسل؟ لاک هم که فقط نیست. لاک خصوصیت دارد که شما در مورد لاک صحبت کنید؟ یک کسی بیاید چسبی بچسباند، ناخن بچسباند، چسب یا قیر یا رنگ باشد. شما چه می‌گویید؟ لذا سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. فقه ما به یک فقه سلیقه‌ای تبدیل می‌شود. اصلاً بفرمایید فقه جدید. فقه جدید براساس خواسته‌های نفسانی خودمان باشد؛ یعنی چون دوست داریم سگ را پاک بدانیم یک طوری در ذهن‌مان پیش ذهن درست کنیم که سگ پاک است آن وقت برایش دلیل درست کنیم. این غلط است. ما در فقه، ذهن‌مان باید خالی باشد. براساس داده‌های فقهی ذهن‌مان را پر کنیم نه براساس ذهنیت‌هایمان فقه بسازیم. این فقهی که در فضای مجازی مطرح می‌شود گاهی فقه‌های ساختگی است، گاهی هم منشأ خارجی دارد. فرهنگ غرب نه فقط بلکه نظریاتی که بعضی‌ها که در خارج هستند، اصلاً نظریات فقهی می‌دهند برای ما فقه درست می‌کنند، فقه می‌سازند. فقط هم این نیست.



در بحث ارتداد ببینید چه هیاهوهایی راه انداخته‌اند. اصلاً خودشان به راحتی آدم و سیاه پوست را می‌کشند و پا روی سینه‌اش می‌گذارند، بعد اگر در فقه ما جمهوری اسلامی براساس فقه مسلم آمدند یک مفسد را اعدام کردند، برایش هشتگ درست می‌کنند، هشتگ پویش دفاع از فلان الدوله دیلمی که قاتل بوده است. اصلاً این را چرا می‌خواهند اعدام کنند. می‌خواهند فقه جدید درست کنند. حواس‌مان را جمع کنیم که آنچه می‌خواهیم از فقه و دین بگیریم از کارشناسش بگیریم و کسی جز مرجع تقلید و مجتهد درس خوانده دود چراغ خورده نیست که نظریات فقهی را براساس ادله مطرح می‌کند. در نتیجه نجاست سگ یک امر بسیار مسلم واضح و روشن و براساس ادله دینی و شرعی است.

**دبیر علمی:** بعضی‌ها که آنقدر تعصب دارند مگر چند سال است در ایران بحث سگ‌های زینتی مطرح شده است. این بحث‌ها در غرب چند سالی است که اتفاق افتاده است اما این احادیث و روایات که مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش است. اینکه بگوییم ما درست کردیم و مراجع ما آمدند یک چیزی را تراشیدند، اینطور نیست. الان همه منابع را استاد نشان دادند ما نسبت به این موضوع تعصب نداریم و فقهای ما حکم شرعی را بیان می‌کنند. اگر پذیرفتیم مسلمانیم و تابع مکتب اهل بیت عصمت علیهم‌السلام هستیم این چیزها را هم باید بپذیریم. ضمن اینکه با همه اینها استاد فرمودند: نجس بودن به معنای اینکه بگوییم این حیوان را باید کشت، آزار داد، این دیگر وفادار نیست یا نجابتش را زیر سؤال ببریم، نیست. همه اینها سر جای خودش و نجاست هم سر جای خودش است. ضمن اینکه تأکید کردند حرمتی برای نگهداریش نیست ولی مذمت بسیار شدیدی شده است و خرید و فروش سگ‌های زینتی به دلایل مختلف که ثابت شده است، جایز نیست و این معامله، معامله باطلی است.

**استاد وحیدپور:** می‌خواهم این انگیزه به وجود بیاید که همه ما در این مباحث دنبال مباحث فنی و علمی باشیم و مقهور جوسازی‌ها و افکار بی‌دلیل غیرمتخصصین در فضای مجازی نشویم.